

تهدیدات امنیت ملی از منظر نهج البلاغه

که میزگرد علمی

□ اشاره:

بی شک نهج البلاغه پس از قرآن کریم مهمترین و ارزشمندترین متن اسلامی است که در اختیار مسلمانان قرار گرفته است، لذا در همین راستا شناخت اصول حاکم بر امنیت ملی از منظر حضرت علی (ع) و نحوه دسته بندی آن می تواند در فهم مباحث امنیتی ما بسیار قابل توجه باشد. دانشگاه عالی دفاع ملی در پیگیری و تعقیب رسالت خود در اسلامی سازی رویکردهای علمی حاکم بر رفتارهای حوزه مدیریت راهبردی کشور، تلاش دارد تا با تمسک به قرآن کریم و سیره و سنت اهل بیت عظام(س) این روند را دنبال و عمق و کیفیت بخشد. داده های نهج البلاغه چراغ هدایتی است که به مصداق کلام گهربار رسول مکرم اسلام(ص) که فرمود: " انا مدینه العلم وعلی بابها " می تواند بسیاری از سازکارهای تدوین و تبیین نظام راهبردی کشور را شفاف و به منصفه ظهور برساند. در این رابطه دانشکده امنیت ملی دانشگاه، میزگردی را درموضوع تهدیدات امنیت ملی از منظر نهج البلاغه با حضور چند تن از کارشناسان امنیت ملی و استادان محترم آقایان دکترزاهد هاشمیان، دکترای علوم قرآنی و حدیث از دانشگاه تهران و دکتر سیامک ره پیک، دانشیار و متخصص مطالعات امنیتی با هدایت دکتر عساریان نژاد از اعضای هیأت علمی آن دانشکده برگزار نموده که خلاصه آن تقدیم می گردد.

دکتر حسین عساریان نژاد

از نظر حوزه فلسفه، بررسی چرایی امنیت، چیستی امنیت، ارزش امنیت، غایت امنیت و موضوع امنیت از دیدگاه نهج البلاغه قابل بررسی است که امام علی(ع) در خطبه ۲۳ در این زمینه نیازمندی های انسان را به سه بخش دفاع از خویش، نیاز به محبت و داشتن رابطه عاطفی با دیگران و عدم توانایی در برطرف کردن نیازهای زندگی خویش بیان و چرایی امنیت را سطح بندی می کند. ایشان در سطح هستی شناسی، امنیت مرتبط با انسان و سعادت و در سطح بعدی وجود جامعه اسلامی ایده آل رادر چرایی امنیت طرح نموده و در بخش چیستی امنیت، در کلام ۲۰۶، حضرت امیر(ع) علاوه بر تشکیل جامعه، آن را نعمتی از سوی خداوند متعال دانسته، عامل اصلی امنیت را ایمان به خدا و عامل اصلی نا امنی را بی ایمانی برمی شمارد. ارزش امنیت به تعالی انسان در تمامی حیات دنیوی و اخروی بوده و غایت امنیت نیز رستگاری و رسیدن به معبود (قرب الهی) و موضوع امنیت نیز شرع محور بودن آن دانسته شده است. **از جناب آقای هندیدانی درخواست می کنیم در آغاز این میزگرد بفرمایند اصول حاکم بر شناخت امنیت ملی از منظر نهج البلاغه چیست و چگونه دسته بندی می شود؟**

آقای عبدا... هندیدانی

از اصول قابل ذکر در شناخت امنیت ملی حکومت و دولت به عنوان محل امنیت است که پنج سازوکار و وظیفه فرهنگ سازی، مشروعیت سازی، توزیع قدرت، نظم و امنیت و توزیع کالا و خدمات را مدنظر قرار می دهند و در ابعاد امنیت از دیدگاه نهج البلاغه نقش کلیدی ایفا می کنند و من آنها را در رئوس مهمی دسته بندی می کنم.

۱. امنیت روانی(جانی)

آن حضرت در خطبه ۲۳۴ به بیان ارزش های مورد نظر پرداخته و بعد امنیت جانی را طرح نموده و به جنبه های مختلفی از مصادیق امنیت مرزی شامل حق همسایه، حیثیت و آبرو اشاره نموده است.

۲. امنیت سیاسی

این نوع امنیت با ایجاد بستر امنیت مرزی شکل می گیرد که این مهم در نامه های ۵۳ و ۶۹ نهج البلاغه قابل رویت می باشد که حضرت امیر المؤمنین علی (ع) دولت را مترادف قدرت دانسته و آن را نهاد دارنده قدرت سیاسی به کار برده است.

۳. امنیت قضایی

سه بخش مهم در امنیت قضایی را می توان از دیدگاه نهج البلاغه در «انتخاب قاضی، شرایط و اوصاف لازم جهت امر قضاوت و وظایف دولت در قبال قاضی» ذکر نمود که حائز اهمیت است و در بسیاری از نامه های آن حضرت تأکید شده است.

۴. امنیت مرزی

نامه ۵ حضرت امیر(ع) در خصوص مرزداران چهار نکته مهم را برشمرده است که در آن فرازهایی چون پنهان نکردن رازی از مرزداران، مشورت با مرزداران، عدم تأخیر در پرداخت حقوق مرزداران و حق برابر قائل شدن برای مرزداران قید گردیده است.

۵. امنیت اقتصادی

مباحث اقتصادی در این دیدگاه جزو مهمترین مسائل حیات فردی و اجتماعی انسان ها در تمامی دوران بوده است که در وصایای آن حضرت به امام حق (ع) تأکید شده است.

لذا معتقدم از آن جایی که شناخت امنیت ملی در هر جامعه ای برگرفته از پاسخ به پنج سؤال اصلی است که برشمردم، از منظر نهج البلاغه می توان احصاء موارد دیگری را نیز بیان داشت.

ردیف	موضوع سؤال	دیدگاه نهج البلاغه
۱	امنیت برای چه کسی یا چه چیزی؟	امنیت برای امت اسلامی و کسانی که در حکومت اسلامی قرار دارند.
۲	امنیت درمقابل چه کسی یا چه چیزی؟	امنیت در برابر باطل، ظلم و بی عدالتی و تعرض
۳	امنیت از چه طریقی و با چه ابزاری؟	امنیت از طریق ایجاد یک حکومت اسلامی و حاکم نیکوکار داشتن و ایجاد رفاه و آبادانی
۴	امنیت در چه بستری یا چه جهتی؟	امنیت در جهت اعتلای انسان و قرب الهی
۵	امنیت در چه سطح یا چه میزانی؟	امنیت در همه سطوح و با صرف هر هزینه ای جایز دانسته شده است.

دکتر عساریان نژاد

جناب آقای شعبانی، قرآن کتاب آسمانی است که یک سری مباحث معرفتی نظری را بیان داشته است که به منظور کاربردی کردن آن مباحث « بنا به قاعده لطف»، لازم بود که آن دستورات الهی توسط چهارده معصوم به طور کامل به شکل بیش از ۱۴ نمونه زندگی در شرایط مختلف به عنوان مدل های رفتاری برای بشر در ابعاد مختلف عملی گردد. لذا یکی از آن ۱۴ مدل (معصوم) زندگی و سیره حکومتی امیر المؤمنین (ع) است.

از ملاحظات زمان آن حضرت، آن که امیر المؤمنین پس از قبول حکومت متأسفانه بیشترین مشکلات را در وضعیت داخل کشور داشت. لذا توجه به امنیت ملی بیشتر در بُعد داخلی در دستور العمل ها، خطابه ها و سیره آن حضرت عیان است. با این مقدمه باید اذعان کرد در بیان سطوح و تهدیدات امنیت ملی حضرت ۴ سطح تهدید را علیه ۴ هدف عمده که به عنوان حقوق حکومت است، دسته بندی کرده است. در سیره آن حضرت ۴ حقوق تصریح شده است:

۱. حقوق فردی
۲. حقوق جامعه
۳. حقوق حکومت و حاکمیت
۴. حقوق دینی مردم

اکنون از حضرتعالی تقاضا دارم در ادامه صحبت های جناب آقای هندیانی بفرمایند، سطوح و شقوق تهدیدات امنیت ملی در نهج البلاغه براساس چه اهدافی دسته بندی و اولویت بندی می گردد؟

آقای محمدرضا شعبانی، کارشناس ارشد امنیت ملی

حضرت در دستورالعمل ها و در خطابه ها و احکام نسبت به حقوق فرد فرد اجتماع و شهروندان تأکید کرده است، حتی به حق یک پیرزن یهودی حساس است تا جایی که آنگاه که خلخال از پای پیرزنی به سرقت می رود و در واقع حقوق فردی یهودی در جامعه علی (ع) تهدید می شود، حضرت علی می فرمایند « اگر کسی از این غصه بمیرد نباید او را نگوئیش کرد» لذا به صراحت می فرماید من در مقابل حقوق فرد فرد جامعه مسئول هستم.

درباره رعایت حقوق فردی باید بگویم، در جنگ صفین زمانی که عمروعاص با لباس مبدل پیامی از معاویه برای حضرت می آورد، حضرت دستور حفاظت از جان وی و برگشت آنها را از اردوگاه شخصاً می دهد، هرچند مالک اشتر از «امان دادن» امیر المؤمنین به عمروعاص ناخشنود می شود. چه بسا اگر پایبندی حضرت علی به این حقوق نبود عمر حکومت ایشان چندین برابر طول می کشید، تا جایی که حضرت علی سخنانی درباره معاویه می فرماید: «سوگند به خدا معاویه از من سیاستمدارتر نیست، اما معاویه حیله گر و جنایتکار است، اگر نیرنگ ناپسند نبود من زیرک ترین افراد بوم ولی هرنیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است» (خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه) لذا، حضرت امیر برای آحاد افراد جامعه حقوقی از جمله حق معاش، اشتغال، حق زندگی توأم با آرامش و خلاصه حق امنیت فردی با هر دین و آئین قائل بود و همواره به والیان و کارگزاران حکومت خود توجه به این مهم را تذکر می داد.

اما در مورد حقوق جامعه، حضرت، آن قدر به این حقوق پایبند بودند و مردم را در انتخاب سرنوشت خویش تأثیرگذاری دانست که علیرغم اینکه ولایت ایشان از طرف خداوند «مشروعیت» داشت لکن چون اقبال و پذیرش از طرف مردم جامعه وجود نداشت اعتبار مقبولیت جامعه برای وی ارزش بود و می فرمود: (لا رأی لمن لایطاع). هرچند یکی از تهدیدات جامعه را حضرت اندیشه خوارج می دانست تا زمانی که آنان از خط قرمز عبور نکردند حضرت آنها را تحمل و حتی قبل از شهادت خود حضرت تأکید فرمودند که بعد از من هیچ کس اقدامی علیه خوارج انجام ندهد، در خبر هست که حتی حضرت بعد از جنگ جمل بر تمامی کشته شدگان خوارج نماز خواند. علیرغم این که آنها خروج کرده بودند. همچنین حضرت علی با تاکتیک خاص جماعت همراه با عایشه را در جنگ جمل به مدینه بازگرداند هر چند که آنها تهدیدی علیه امنیت ملی بودند. حضرت به منظور جلوگیری از افتراق در جامعه، مصالحی مثل وحدت جامعه را به شدت رعایت نمودند. حضرت در احصاء حقوق جامعه، مثل داشتن حق نظم و انضباط اجتماعی، حق برخورداری از فضای سالم اجتماعی و... به شدت توجه و در استقرار آن اهتمام داشتند. چرا که از منظر دین اسلام امنیت و ایمان از یک ریشه و امنیت پاداش صالحان است و جامعه بدون امنیت مفهوم نمی یابد.

درموضوع حق حکومت و حاکمیت، امیرالمومنین(ع) تأمین دو نعمت مغفول و مجهول یعنی نخست بهداشت و سلامت جامعه و دوم، امنیت را از وظایف حکومت می دانست (النعمتان مجهولتان الصحه و الامان) لذا، حضرت برای ایجاد امنیت در جامعه اهتمام زیادی داشت. حضرت در « امور حسیه» با تشکیل سازمانی به نام «شرطه الخمیس» متشکل از نیروهای داوطلب مردمی که با تشکیل هسته های ۵ نفره از نیروهای داوطلب مردمی سازمان یافته بود، تأمین امنیت جامعه مسلمین به خصوص امنیت در شب را فراهم می آورد. حضرت در تأمین امنیت مرزها به مرزبانان کشورهای اسلامی توصیه های صریح فرموده اند (دعای مشهور مرزداران امام سجاد(ع)). حضرت از دیگر حقوق حکومت راه، توزیع ثروت در جامعه می دانستند و برای آنان که متمکن نبودند حقوقی از بیت المال منظور می کردند و به صراحت می فرماید (هر جا ثروتی انباشته شده در جامعه اسلامی دیده می شود در کنار آن حق مظلومی پایمال گردیده است) لذا درسیره حضرت از حقوق دولت، توزیع عادلانه ثروت است و حضرت به شدت با فاصله طبقاتی برخورد داشته است و توصیه های مؤکد به والیان خود داشته اند که اختلاف سطح زندگی با رعایا نداشته باشید. در احکام صادره به والیان مؤکداً توصیه به احقاق حق مظلومان داشته و به منظور جلوگیری از ظلم والیان و کارگزاران، «دیوان مظالم» (دیوان عدالت اداری) را تشکیل می دهد. حضرت دیگر حق مهم حاکمیت را اعلام جنگ با دشمن و اعلام صلح بر می شمارند.

از نگاه حضرت، از دیگر وظائف مهم حکومت، «مقابله با تهدید حقوق دینی مردم» است. لذا امیر المؤمنین قبول حکومت را ابزاری برای ایجاد فضای سالم و آرامش بخش به منظور دین داری مردم (مؤمنین) می داند و با هر عاملی که بخواهد اعتقادات و باورهای مردم را تخریب کند به شدت مقابله می کند.

امیر المؤمنین دشمن شناسی را حق ویژه حکومت می داند، کاری که امروز مقام معظم رهبری نیز به عنوان محور اصلی خطابه ها و سخنرانی های خود در افشاء ماهیت دشمن به معرفی دشمن و دشمن شناسی می پردازند، چرا که بعضی ها «عمداً آدرس اشتباهی و انحرافی از ماهیت دشمن می دهند» بنابراین همواره به اقسام مختلف به ویژه دانشجویان تأکید بر دشمن شناسی فرمودند.

دکتر عساریان نژاد

□ همین جا سؤال بنده این است که آیا می توان تهدیدات امنیت ملی از منظر نهج البلاغه را در قالب تهدید علیه ۴ حق ذکر شده جستجو نمود؟ یعنی تهدید علیه حقوق فردی، حقوق جامعه، حقوق حکومت و حاکمیت و حقوق دینی مردم؟

آقای شعبانی

بنده معتقدم امکان هرگونه ضربه پذیری و به خطر افتادن امنیت در هر نظام سیاسی تهدید دشمنان است که امکان دسترسی به اهداف و غایات از پیش تعیین شده را مورد توقف یا هتک قرار دهد و تأمین امنیت ملی شرایطی است که می تواند منافع ملی را مصون از تهدید دشمن بدارد. با این تعریف که: در نگاه امیر المؤمنین مرز بین خودی و غیر خودی و حتی مرز بین عوام و خواص و به ویژه مرز بین دشمن و دوست تمیز داده می شود. در خطابه ها، نامه ها و احکام آن حضرت تعیین مرز خودی و غیر خودی، تهدید شناسی و دشمن شناسی یک وظیفه است، از طرفی کمال جوئی انسان و کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، رفاه جامعه و آبادانی به صراحت تفکیک شده است. تأمین امنیت، از کارکردهای حکومت اسلامی است و در منابع اسلامی قویاً مورد نگرش قرار گرفته است.

«مدل تحلیل امنیت» در نهج البلاغه «عقلایی» بوده و در واقع «عقلانیت محور» است و حضرت با نگاه «معرفت شناسی» تأمین امنیت را از کار ویژه های حکومت می داند. در تحلیل «محتوایی» امنیت در نهج البلاغه، سطح تحلیل کارکردی و اهم توصیه ها به کارگزاران نظام در سطح تحلیل ساختار- کارگزاری است. امیر المؤمنین به نقش مردم در مشارکت نظام سیاسی تأکید می ورزد و آن رامیل به تعالی می داند. در نگاه امیر المؤمنین منشأ قدرت خدا است، لکن ابزار قدرت (مقبولیت عامه) مردم هستند، یعنی علیرغم مشروعیت ولایت، حضرت ۲۵ سال صبر کردند، زیرا ضرورت مقبولیت مردم لازم بود. حضرت نگاه نرم افزاری نیز بر امنیت دارند. در سیره آن حضرت تعقیب دشمنان و کشتار آنان ملاک نبوده و صرفاً کنترل آنها بود و خوارج تا زمانی که دست به اسلحه نبرده بودند، یعنی وارد فضای امنیتی نشده بودند از نگاه علی (ع) تهدید نبودند و صرفاً در حیطه کنترلی حضرت قرار داشتند.

راهبرد امنیتی حضرت رویکرد ارشادی و تربیت محور است یعنی، «امت قرار است تربیت و هدایت شوند به طرف غایت».

در جمع بندی مباحث می توان گفت که تهدیدات امنیت ملی از نظر نهج البلاغه و تبیین سطوح و شقوق این تهدیدات براساس ۴ حق، هدف گذاری، دسته بندی و به ترتیب اولویت بندی می شوند.

۱. تهدید در حقوق افراد
۲. تهدید در حقوق جامعه
۳. تهدید به حقوق حکومت
۴. تهدید به حقوق دینی مردم

در دستگاه تحلیلی، اهدافی مثل عدالت اجتماعی، مهرورزی حکومت بر مردم، فقرزدایی، کنترل و تعدیل خواسته های مردم و پاسخ گویی به افکار عمومی و جلوگیری از تکبر و غرور حاکمان بر رعیت، که این شکاف بین مسئولین و مردم آفت و تهدید امنیت ملی است. و در مدل تحلیل امنیت در نهج البلاغه مدل عقلانی و تأمین امنیت از کارکردهای ویژه حکومت است و در تحلیل محتوایی نهج البلاغه سطح تحلیل کار کردی و ساختار- کارگزاری می باشد.

دکتر عساربان نژاد

امام علی (ع) به دلیل داشتن حکومت، امنیت را از چشم اندازی عملی نگریسته که می توان گفت که نهج البلاغه تجلی آن است و لذا خط مشی های عمومی حکومت اسلامی از قبیل فرهنگ سازی، مشروعیت سازی، نظم و امنیت، توزیع قدرت و... به دلیل برخورد با حکومت های موجود در زمان حضرت علی (ع) و حکومت پنج ساله آن امام همام به وضوح در نهج البلاغه قابل احصاء و بررسی است و سیاست و حکومت دو جزء لاینفک در اندیشه و سیره ی عملی امام علی (ع) به دقت در نهج البلاغه ترسیم شده است.

کتاب نورانی نهج البلاغه به انواع دستورالعمل های سیاسی، اقتصادی، نظامی، عملی، اجتماعی و امنیتی و... اختصاص دارد. در یک تقسیم بندی موضوعی در خطبه ها به بازسازی دل ها، به استقرار نظم اجتماعی، به اصلاح جامعه، به روش های دفاع به شیوه های جهاد و بیکار، به تولید و سازندگی، به برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی پرداخته

شده و نامه‌ها به معیارهای گزینش کارگزاران، فرماندهان و استان داران و علل عزل و نصب آنان به روش‌های دفاع و پیکار، به شیوه‌های استقرار عدالت و اجرای حقوق فرد و جامعه و استقرار نظم و امنیت و قانون اختصاص یافته است. **در اینجا ضمن تشکر از جناب شعبانی تقاضا دارم ادامه بحث را جناب جمشیدیان راهنمایی بفرمایند که نحوه شناخت تهدید در نهج البلاغه، آیا مقدم بر شناخت امنیت است و یا امنیت در اولویت قرار دارد؟**

آقای هادی جمشیدیان، کارشناس ارشد تهدیدات امنیتی

به طور کلی برای شناخت تهدید باید به حیات سیاسی حضرت علی (ع) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) که می‌توان آن را دوره تکوین هسته‌های اختلاف و از هم پاشیدگی وحدت سیاسی و اعتقادی جامعه مسلمین نامید و نمود خارجی آن در بحران جانشین و جریان سقیفه ظاهر می‌شود، نگریست. گرچه این حیات سیاسی را می‌توان به دو مرحله منفک از هم، ولی به صورت هماهنگ و واحد تقسیم نمود، چرا که اساس انگیزه و دیدگاه‌های حضرت علی (ع) دو گانه نبود که بحث متناقض پیش آید. بلکه دو گونه با پایداری واحد بود. این دو دوره و مرحله عبارت بود از:

الف) دوره ای که حضرت علی (ع) قدرت سیاسی را در دست نداشت.

ب) دوره ای که حضرت علی (ع) قدرت سیاسی را به دست گرفت و رسماً به عنوان زمامدار جامعه عمل نمود.

در دوره اول با بررسی خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، عمده تهدیدات متوجه غاصبین خلافت بود، لیکن با وجود عدم رضایت حضرت علی (ع) نسبت به غاصبین، مواضع امام نسبت به خلفا یک موضوع سنجیده تحلیلی و منطقی است که مبتنی بر دیدی استوار و واقع بینانه است، برای مثال در خطبه شششنبه، نمودی از انتقاد شدید و طرز برداشت حضرت علی (ع) در دوران خلفای ثلاثه است و موضع حضرت در قبال مخالفین، یک موضع منفی، اما در ظاهر آن به صورت مختلف و در عین حال با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، سکوتی است که خود به آن اشاره دارد و آن را چون خار در چشم و استخوان در گلو و تلخ تر از علقم می‌نامد.

در مرحله دوم حیات سیاسی حضرت علی (ع) از سال ۳۶ هجری، با بررسی سیر تاریخی و تفحص در نهج البلاغه، شاهد احیای سنت‌های رسول خدا (ص) و پایبندی به اصول، عدم تغییر مواضع پس از رحلت رسول اکرم (ص)، قاطعیت در اجرای عدالت

اقتصادی و اجتماعی، عدم تبعیض بین افراد به جهت صحابه بودن و لغو امتیازاتی که در زمان خلفای پیشین برقرار گشته بود هستیم و متعاقب آن، در این دوره ما شاهد مخالفت های نهان و آشکار و تهدیدات فزاینده در برهم زدن ثبات و آرامش جامعه از سوی سه گروه از دشمنان داخلی و خارجی می باشیم و حضرت علی(ع) از یک طرف مسئول اداره حکومت بر طبق عدالت اسلامی است و از طرف دیگر، می بایست با برخورد مناسب مشکل گروه های مخالف را حل کند. البته نوع برخورد علی(ع) با دشمنان محور اصلی بحث ها و تحقیقاتی است که در نهج البلاغه می توان به آن استناد نمود، سه گروه از دشمنان و موضع حضرت علی(ع) در قبال آنها، بیانگر این حقیقت است که شیوه برخورد حضرت علی(ع) با آنان ایجابی و در صورت پا فشاری و تعرض دشمن، سلبی و حتی پس از شکست آنها مجدداً ایجابی بوده است و همه برای ثبات و آرامش و برقراری نظم و امنیت و اجرای عدالت اسلامی بوده است، لذا به طور اختصار، اقدامات و تصمیم های حضرت علی(ع) در قبال سه گروه از دشمنان در طول پنج سال حکومت اسلامی به شرح ذیل می باشد:

۱) گروه اول ناکثین (اصحاب جمل) با سرمداری طلحه و زبیر و عایشه

نحوه برخورد حضرت علی(ع) در قبال ناکثین :

- ۱- ملامت و نصیحت و فراخواندن آنها به سوی حق (مسالمت جویی)؛
- ۲- جنگ در مقابل آنها پس از ناامیدی و اصرار آنها بر براندازی نظام اسلامی؛
- ۳- ملامت بعد از جنگ و گذشت از آنها.

۲) گروه دوم، قاسطین به سرمداری معاویه

نحوه برخورد حضرت علی(ع) در قبال قاسطین :

- ۱- ابلاغ پیام و گزینش منطق؛
- ۲- راه حل نظامی و جنگ با آنها به واسطه عدم تمکین و ظلم و ستم آنها؛
- ۳- پذیرش حکمیت با وجود عدم رضایت حضرت علی(ع) و اصرار فریب خوردگان و مقدس مآب های اردوگاه؛ علی(ع) که بعد ها جزو خوارج و دشمنان گروه سوم قلمداد گردیدند.

۳) گروه سوم، مارقین و به عبارتی جریان خوارج و شورش آنها

نحوه برخورد حضرت علی(ع) در قبال مارقین:

- ۱- به منتهای درجه ممکن آزادی با خوارج رفتار نمودند؛
 - ۲- عدم قطع سهمیه از بیت المال، آزادی عقاید و فعالیت؛
 - ۳- هدایت و ارشاد آنها؛
 - ۴- ایستادگی و مقاومت بعد از شورش و ترور توسط خوارج و جنگ با آنها؛
 - ۵- بعد از جنگ با خوارج، دستور فرمودند که خوارج در امان باشند و کسی به آنها تعرض نکند (ملاطفت بعد از جنگ)
- در پایان سختم مایلم فرازی از حضرت که در کلام ۱۳۳ نامه ۱۲۲ آمده است بیان کنم که می فرمایند:

"بارخدا یا تو خود خوب می دانی که جنگ و درگیری ما به خاطر کشمکش قدرت و فزون طلبی ثروت و مقوله های از این دست نبود، که هر آنچه بوده است، جز برای بازگرداندن نشانه هایی از دین تو و اصلاح سرزمین های تو نبوده است، تا بندگان مظلومت، امنیت یابند و حدود به تعطیل کشیده شده، به اجرا درآیند."

□ **دکتر عساریان نژاد: جناب آقای شیخ حسنی، به نظر حضرت تعالی رویکرد حضرت**

امیر (ع) به طور معرفتی با مفهوم امنیت ملی چیست؟

آقای محمود شیخ حسنی، کارشناس ارشد امنیت ملی

با توجه به این که رویکرد کلی امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه به مقوله امنیت، غالباً از منظر و جایگاه حکومتی و به عنوان حاکم اسلامی بوده، لذا پرداختن به عناوین زیر در تبیین موضوع مورد بحث مؤثر خواهد بود.

- چستی امنیت از نگاه نهج البلاغه؛
 - رابطه حکومت و امنیت از نگاه نهج البلاغه؛
 - امنیت ملی در نگاه نهج البلاغه؛
 - چگونگی برخورد با تهدیدات امنیت ملی از نگاه نهج البلاغه.
- در نهج البلاغه به موضوع امنیت از ابعاد مختلف پرداخته شده است. درجایی امنیت به مثابه «یک هدف مهم سیاسی و اجتماعی برای شهروندان و حاکمیت» معرفی و در جایی دیگر به مثابه «یک ارزش مهم و حیاتی فردی و اجتماعی» مطرح و از منظری دیگر به مثابه «زیر بنایی برای تحقق عدالت اجتماعی در میان شهروندان و کاهش شکاف طبقاتی» عنوان شده است.

هرچند از دیدگاه نهج البلاغه وظیفه اصلی حکومت «شکل دهی رفتار و اخلاق جامعه و سرشت و سرنوشت معنوی مردم» است اما تأمین امنیت همه جانبه نیز از مهمترین وظایف حکومت می باشد. حضرت علی (ع) در کلام ۴۰ نهج البلاغه می فرماید: «مردم را دولتی و حاکمی (خواه خوب و عادل و خواه ظالم) باید که در سایه حکومت او یا دشمنان پیکار کنند، راه ها را ایمن سازند و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند تا نیکوکردار روز به شب رساند و از گزند در امان ماند.»

از دیدگاه نهج البلاغه توجه به ملیت و ملی گرایی مردود شمرده شده و حدود و ثغور مملکت اسلامی، محدوده استقرار امت و حکومت اسلامی را در بر می گیرد و لذا امنیت ملی به مثابه امنیت بلاد مسلمین تلقی و امنیت حکومت اسلامی شامل همه کسانی می شود که با حفظ شرایط در «دارالاسلام» و در سایه دولت اسلامی زندگی می کنند، خواه مسلمان باشند و خواه غیر مسلمان. نامه ۵۱ نهج البلاغه در توضیح مردمی که حکومت اسلامی ملزم به تأمین امنیت آن هاست صراحتاً تأکید می کند که: «(مردم) خواه از مسلمانان نمازگزار باشند و یا اقلیتی در گروهی بیمان.»

تهدیدات امنیت ملی از دیدگاه نهج البلاغه را می توان به دو بخش «تهدیدات داخلی» و «تهدیدات خارجی» و همچنین «حراست و حفاظت از نظم داخلی و برقراری قانون» تقسیم کرد.

نامه ها و توصیه های حضرت علی (ع) به والیان و عوامل حکومتی که وظیفه برخورد با عوامل داخلی تهدیدات امنیت ملی را برعهده داشته اند، سفارشاتى که به فرماندهان و سران سپاه که مأمور مقابله با عوامل خارجی تهدیدات امنیت ملی بوده اند و همچنین خطبه هایی که خطاب به مردم ایراد فرموده اند و نامه هایی که حضرت به معاویه (به عنوان نماد دشمن و تهدید خارجی) نوشته اند، همگی حاکی از این است در هر دو بعد داخلی و خارجی نگاه و برخورد حضرت با «عوامل تهدید» تلاش در جهت آموزش و تأدیب و تربیت آنها بوده و سعی کرده اند با توسعه فضائل و ارزش ها، «امنیت برای همه» تحقق یابد و «مدینه فاضله» که به نظر می رسد فارابی با برداشت و فهم امنیت از نهج البلاغه و دیدگاه های حضرت امیر المومنین آن را مطرح نموده تشکیل گردد. در عین حال مشی آموزشی و تربیتی حضرت در برخورد با عوامل تهدید تا جایی ادامه داشته که مخالفت ها و مقابله ها وارد فاز نظامی و مسلحانه نشده، لذا حکومت اسلامی با

حداکثر توان به مقابله و سرکوب آن خواهد پرداخت، ضمن آن که رعایت اخلاق در مراحل مختلف مقابله و نبرد نیز مورد توجه می باشد.

دکتر عماریان نژاد

سخن پایانی

ضمن تشکر از عزیزان و اساتیدی که در این میزگرد شرکت نمودند و زمینه توجه به حضور ارزش ها، رویکردها و اوامر و مناهای دینی را در رویکردهای مطالعات امنیت ملی فراهم نمودند مایلیم این جمع بندی را به نقل از برداشت های برادرگرمی جناب آقای جمشیدیان داشته باشم که با عنایت به سیره عملی حضرت علی (ع) در طول حیات سیاسی خود پس از رحلت پیامبر (ص) و بررسی خطبه ها و نامه های امام در نهج البلاغه، کلیه تصمیمات و رفتارهای حضرت علی (ع) بر اساس حکمت بوده و با بصیرت علمی، نقاط قوت و ضعف را می شناختند و از فرصت ها بهترین استفاده را برای دفع تهدیدات و رفع نقاط آسیب پذیر می کردند و رویکرد حضرت علی (ع) ناظر بر روابط مبتنی بر ایمان و پذیرش اسلام و منطق حاکم بر آن و رحمت و نزدیکی قلوب بود تا از این طریق اطمینان و آرامش بر امت اسلامی حاکم شود و از سوی دیگر، نسبت به اردوگاه کفار و دشمنان به معنای معارضین، رفتار آن امام از منطق شدت به بازدارندگی آنها از تعرض و تقویت توان دفاعی و برقراری امنیت در سطح حاکمیت اسلامی بوده است.

بنابراین از دیدگاه علی (ع) و کتاب نورانی آن حضرت، نهج البلاغه، امنیت در اولویت قرار داشته و در صورت ظهور و بروز تهدید، به منظور برقراری امنیت با جدیت و قاطعیت در صدد دفع آن برآمده اند. که با این وصف می توان گفت که گفتمان و رویکرد امنیتی اسلام از ایجابی تا سلبی (در صورت شرایط و مقتضیات به مخاطره افتادن حاکمیت اسلام) است و چون منطق حاکم در تفکر اسلامی، منطقی دو وجهی است، "رحمت و شدت" توانایی در تحلیل امنیت، در رویکرد اسلامی قابل تأمل است و همان طور که در سیره عملی و رفتاری حضرت علی (ع) بازگو شد، گفتمان و برخورد آن حضرت ابتدا ایجابی، در صورت تعرض و تلاش دشمن در براندازی و خرابکاری با قاطعیت سلبی و در نهایت با مدارا و عطفوت بازگشت به ایجابی است و این چرخه ایجابی، سلبی و ایجابی در شرایط و مقتضیات خاص خود در رویکرد امنیتی اسلام می تواند الگو و راهنمای حکومت اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار گیرد.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی